



Free Trade¹

Daniel Griswold
Director of Cato Institute's Center for Trade Policy Studies

Translator: Saba Mohtasham



تجارت آزاد

مترجم: سبیا محتشم
کارشناس ارشد حقوق

اشاره مترجم: تجارت آزاد و «جهانی شدن» از جمله موضوعات مهمی هستند که تقریباً هر روزه در عرصه سیاست عمومی، در وزارتخانه‌ها و سازمان‌های مختلف قوای مجریه و در کمیسیون‌های اقتصادی و حقوقی و بازرگانی در مجالس قانون‌گذاری در تمام کشورها به تفصیل درباره آن‌ها بحث و بررسی می‌شود. اما صحبت و اظهار نظر پیرامون این موضوعات فقط به سیاستمداران و قانون‌گذاران محدود نمی‌شود. دامنه تأثیر تجارت و جهانی شدن به شکلی اجتناب‌ناپذیر هر لحظه از زندگی روزمره مردم عادی کوچک و بزرگ را در بر گرفته است. امروزه تمام آدم‌های دنیا از لحظه‌ای که صبح از خواب بیدار می‌شوند تا موقعی که به خواب می‌روند در همه شئون زندگی خود (از خوراکی و پوشاک و تردد گرفته تا خرید و کار و تفریح و حتی مکالمه با دیگران) به نوعی وابسته به تجارت جهانی و روند جهانی شدن هستند. حتی آن عده که با گسترش تجارت آزاد و پدیده جهانی شدن مخالفت دارند و می‌خواهند در این باره مطلب بنویسند یا در جایی سخنرانی کنند ناچارند برای نوشتن مطلب از کاغذ و قلم یا از کامپیوتر استفاده کنند (یعنی از ابزاری که معلوم نیست منابع هر تکه از آن در کجای این دنیا استخراج، تهیه، طراحی، و ساخته شده و اکنون به واسطه تجارت جهانی در اختیار نویسنده قرار گرفته). این عده برای حضور در محل سخنرانی خود نیز چاره‌ای ندارند جز این که پیش از خروج از منزل ابتدا کفش و لباس بپوشند (کفش و لباسی که مواد اولیه‌اش شاید از پشم گوسفندی در نیوزیلند یا از چرم گاوی در آمریکا یا از مواد نفتی استخراج شده در روسیه یا

1. Taken with permission from the book "A Beginner's Guide to Liberty" Edited by Dr. Richard Wellings, © Adam Smith Research Trust 2009





از ایفای ساخته شده در چین باشد، و طراحی، دوخت، و لوازم دوخت آن‌ها شاید حاصل کار چندین کشور مختلف باشد). و تازه داستان واقعی تجارت جهانی و تأثیر آن بر فرد سخنران که می‌خواهد در مخالفت با آن صحبت کند از لحظه‌ای که او از منزل خارج می‌شود ابعاد بسیار پیچیده و حیرت‌انگیزی به خود می‌گیرد، یعنی از همان لحظه که او قدم بر روی «آسفالت» خیابان می‌گذارد و سوار «اتومبیل یا اتوبوس یا قطار» می‌شود و با «تلفن موبایل» خود به محل سخنرانی زنگ می‌زند که بگوید در راه است. در واقع، به نظر می‌رسد که اگر تجارت جهانی و پدیده جهانی شدن رخ نداده بود، سخنران یا نویسنده مورد نظر احتمالاً حتی برای لباس پوشیدن یا برای تهیه کاغذ و قلم هم با مشکلات متعددی مواجه می‌شد و چه بسا که هفته‌ها طول می‌کشید تا به محل سخنرانی برسد. در ضمن، ساختمان محل سخنرانی، مواد به کار رفته در آن، کارخانه‌های سازنده آن مواد، تهیه مطبوع ساختمان و سیم کشی برق و سیستم صوتی تالار و غیره خودش یک داستان بی‌پایان است که هر کلمه‌اش حکایت از اهمیت و تأثیر تجارت جهانی دارد. با این حال، ما باز هم هر روز شاهد انواع مخالفت‌ها با تجارت آزاد و جهانی شدن هستیم و از این حیث به نظر با هیچ کمبودی مواجه نیستیم. اما مقاله حاضر با مطالب مختلفی که هر روز درباره تجارت می‌خوانیم یا می‌شنویم تفاوت دارد. نویسنده این مقاله «**دانیل گریزوالد**» دانش‌آموخته مدرسه اقتصادی لندن در رشته سیاست اقتصاد جهانی است و در حال حاضر ریاست مرکز مطالعات سیاست تجاری در اندیشکده اقتصادی «کی‌تو» در واشنگتن را بر عهده دارد. او از منتقدین سرسخت سیاست‌های دولتی در آمریکا است و در این مقاله می‌کوشد تا از زوایای مختلف موضوع تجارت و اهمیت تجارت آزاد بین کشورها را به اختصار بررسی کند. امیدوارم که ترجمه این مقاله برای آن دسته از خوانندگانی که به موضوع تجارت آزاد علاقمند هستند مفید فایده باشد.

تجارت آزاد را می‌توان این‌گونه تعریف کرد که عبارت است از آزادی افراد و شرکت‌ها در مبادله کالاها و خدمات مابین مرزهای بین‌المللی بدون ایجاد محدودیت از سوی دولت. چنین تعریفی در زندگی روزمره ما به معنای آزادی در خرید پیراهنی دوخته شده در بنگلادش، موزی پرورش یافته در اکوادور، اتومبیلی ساخته شده در آلمان، «آی‌پادی» مونتاژ شده در چین و یا یک فیلم تولید شده در هالیوود است. بحث تجارت آزاد با حقوق افراد آغاز می‌شود، به این معنا که ما می‌بایست در تجارت به قصد کسب نفع متقابل با شخصی در آن سوی یک مرز یا در فراسوی یک اقیانوس به همان اندازه آزاد باشیم که در تجارت با فردی در آن طرف خیابان یا در شهر و استانی در مجاور محل زندگی مان. محدودیت‌های اعمال شده بر تجارت، ناقض آزادی ما در مبادله داوطلبانه اموال شخصی مان با دیگری است که از سر اتفاق در کشور دیگری زندگی می‌کنند.

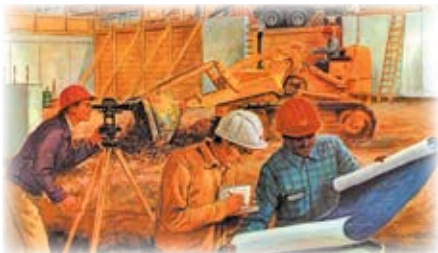
تقسیم کار

تجارت آزاد به ملت‌ها امکان می‌دهد تا در آن چه شهروندان آن‌ها قادرند با منابع و مزیت‌های در اختیار خود به بهترین نحو انجام دهند «متخصص» شوند. برخی ملت‌ها به دلیل تفاوت در شرایط آب و هوایی، منابع، تاریخ و سطح سوادشان از برخی ملت‌های دیگر در پرورش گندم، ساخت کامپیوتر، تولید پارچه یا ارائه خدمات تفریحی در کنار ساحل بهتر عمل می‌کنند. حتی در درون ملت‌ها نیز وضع کارگران و شرکت‌ها به مراتب بهتر خواهد بود اگر بتوانند در آن چه به بهترین نحو انجام می‌دهند به درجه تخصص برسند و سپس مازاد تولیدشان را از راه تجارت با کالاها و خدماتی که دیگر ملت‌ها در تولید آن ماهرترند مبادله کنند.

افراد عادی هر روزه به این قبیل تجارت‌ها مشغول هستند. تصور کنید خانواده شما چه قدر فقیر می‌بود اگر پدر و مادران اصرار داشتند که خانه و لباس‌ها و لوازم منزل را خودتان بسازید و تمام مواد غذایی مورد نیازتان را خودتان پرورش دهید و هرگز هیچ چیزی از دیگران نخرید. چنین اصراری به «فقر خودکفا» می‌انجامد. در عوض، به واسطه تجارت، مردم در آن رشته کاری که می‌توانند بهره‌ورترین باشند «متخصص» می‌شوند و سپس (در طی فرآیندی که اقتصاددانان به آن «تقسیم کار» می‌گویند) محصول کار خود را با دیگران تجارت می‌کنند.

همان‌طور که پدر علم اقتصاد مدرن، «آدام اسمیت»، استدلال کرده بود، تجارت با فراخ‌تر کردن بازار امکان خلق ثروت بیشتری فراهم می‌آورد و در نتیجه یک تقسیم کار دقیق‌تری را مابین ملت‌ها و در درون ملت‌ها ممکن می‌سازد.

آدام اسمیت در رساله معروف خود به نام «جستاری در باب ماهیت و علل ثروت ملل» به تاریخ ۱۷۷۶ اظهار می‌کند که:



«برای هر پدر دوران‌دیشی در یک خانواده حکمت و قاعده کلی بر این است که هرگز سعی نکند در خانه خودش بسازد آن چه را که ساختنش از خریدنش گران‌تر تمام می‌شود... قاعده‌ای که در سلوک یک خانواده معمولی «دوران‌دیشی» محسوب می‌شود بعید است که در قلمرو یک سرزمین پهناور «حماقت» به حساب آید. اگر کشوری بیگانه قادر باشد کالایی را ارزان‌تر از آن چه ما خودمان می‌سازیم به ما عرضه کند، بهتر است که آن کالا را از ایشان در معاوضه با بخشی از محصولات صنایع خودمان خریداری کنیم- محصولاتی که در اشتغال و تولیدشان نسبت به دیگران برتری داشته‌ایم».

برتری نسبی



در سال ۱۸۱۷ یک دلال بازار سهام اهل بریتانیا به نام «دیوید ریکاردو»^۱ با استفاده از نظریه خودش به نام «برتری نسبی»^۲ مبانی مطرح شده در رسالهٔ آدام اسمیت را گسترش داد. بنا به عقیدهٔ «ریکاردو» اگر کارگران یک ملت قادر باشند همه چیز را کارآمدتر از کارگران دیگر ملت‌ها بسازند باز هم می‌توانند

با آن‌ها تجارتی سودآور داشته باشند. آن چه اهمیت دارد این است که این کارگران چه چیزی را نسبت به دیگر ساخته‌های خودشان به کارآمدترین وجه ممکن می‌سازند.

به این ترتیب، چنان چه کارگران در کشوری ثروتمند کفش را ۲ برابر بهتر از کارگران در کشوری فقیر بسازند اما در ساخت تراشه‌های کامپیوتر ۵ برابر بهتر باشند باز هم به نفع هر دو کشور خواهد بود که کشور ثروتمند در ساخت تراشه‌های کامپیوتر متخصص شود و کفش را از کشور فقیر وارد کند. کارگران در هر دو کشور با متخصص شدن در برتری‌های نسبی خود می‌توانند میزان مصرفشان از هر دو کالا را افزایش دهند.

رقابت و «صرفه‌جویی‌های مقیاس»

تجارت آزاد به مردم امکان می‌دهد تا از راه‌های مهم دیگری نیز نفع ببرند. شرکت‌ها با تولید برای یک بازار جهانی می‌توانند از «صرفه‌جویی‌های مقیاس»^۳ عظیمی بهره‌مند گردند. به طور مثال، در شرایطی که یک شرکت در امر پژوهش و گسترش و خرید ماشین‌آلات برای تولید اتومبیل، هواپیما، یا نرم‌افزار سرمایه‌گذاری سنگینی کرده، اگر تعداد ۱۰۰,۰۰۰ قلم کالا برای عرضه در بازار جهانی تولید کند هزینه تولید هر قلم کالا برایش پایین‌تر خواهد بود تا این که بخواند ۱۰۰۰ قلم کالا

1. David Ricardo
2. comparative advantage
3. economies of scale



برای فروش در بازار داخلی تولید کند. در ضمن، رقابت در تجارت انگیزه‌ای می‌شود تا شرکت‌ها در تولید کالاهای جدیدتر و بهتر به نوآوری بپردازند، هزینه‌های خود را کاهش دهند، و از میزان ضایعات بکاهند.

تجارت آزاد برای مصرف‌کننده به معنای قیمت کمتر، تنوع بیشتر و کیفیت بهتر خواهد بود. قطعاً وضع ما که مصرف‌کننده هستیم به مراتب بهتر خواهد بود وقتی تعداد زیادی از تولیدکنندگان برای معامله با ما با یکدیگر به رقابت بپردازند تا این که تنها چند تولیدکننده یا فقط یک تولیدکننده انحصاری وجود داشته باشد. رقابت در واردات برای ما مصرف‌کنندگان به این معنا است که قیمت‌های کمتری می‌پردازیم و برای کالاهایی نظیر پوشاک، غذا یا لوازم برقی از تنوع و قدرت انتخاب بیشتری برخورداریم تا این که فقط به چند تولیدکننده داخلی محدود باشیم.

حمایت‌گرایی

متضاد تجارت آزاد چیزی است که اغلب به آن «حمایت‌گرایی دولتی»^۱ می‌گویند، یعنی اقدام دولت‌ها در حمایت و محافظت از برخی تولیدکنندگان داخلی خاص در برابر رقابت جهانی از طریق وضع تعرفه‌ها، سهمیه‌ها و دیگر مقررات.

«تعرفه» مالیات مستقیمی است که یا بر درصدی از ارزش کالاهای وارداتی یا بر مقدار خاصی از آن کالاها تحمیل می‌شود. «سهمیه» یک محدودیت عددی است که بر مقدار کالایی که از خارج

1. protectionism



وارد می‌شود وضع می‌کنند. دیگر محدودیت‌های تجاری در شکل مقرراتی وضع و طراحی می‌شوند که واردات کالا را به صورت غیرمستقیم و از طریق موانعی که به آن «موانع غیر تعرفه‌ای» می‌گویند ممنوع می‌سازند.

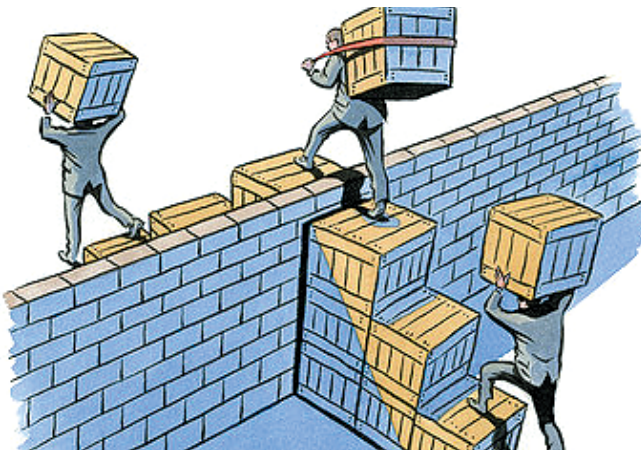
تقریباً همه دولت‌ها به نوعی به حمایت‌گرایی مشغولند. برای سیاستمداران امر چندان غریبی نیست که بخواهند به منظور نفع رساندن به یک تولیدکننده یا صنعت خاص

داخلی (که خواهان حمایت در برابر رقبای خارجی است) مزایای بزرگ‌تر تجارت آزاد برای کل یک ملت را نادیده بگیرند. صنایعی که خواستار حمایت‌گرایی هستند نوعاً از سازمان‌یافتگی عالی و انگیزه‌های نیرومندی برخوردارند و در نتیجه بهتر می‌توانند بر سیاستمداران و نظام سیاسی تأثیر بگذارند.

نتیجه حمایت دولتی این است که مصرف‌کننده قیمت بالاتری می‌پردازد، منابع کشور به شیوه‌هایی مورد استفاده قرار می‌گیرد که بهره‌وری کمتری دارند، و استاندارد کلی زندگی پایین‌تر از سطحی قرار می‌گیرد که در وضعیت تجارت آزاد می‌توانست باشد.

ملت‌های غربی در دهه ۱۹۳۰ درس تلخی درباره خطرات حمایت‌گرایی آموختند. رکود اقتصادی در سال ۱۹۲۹ دولت‌های ایالات متحده، بریتانیای کبیر و دیگر کشورها را بر آن داشت تا به منظور حمایت از مشاغل اقدام به ایجاد موانع تجاری کنند. اما ایجاد موانع تجاری باعث شد تا بقیه کشورها اقدام به تلافی کنند، سطح تجارت نزول کرد، و «رکود بزرگ» عمیق‌تر و طولانی‌تر شد.

مورخین معتقدند که تنش‌های بین‌المللی ایجاد شده به واسطه این زورآزمایی اقتصادی در بروز جنگ جهانی دوم نقش داشته است. رخدادهای آن دوران مهر تأییدی بر جمله معروف اقتصاددان سیاسی فرانسه در قرن نوزدهم «فردریک باستیا»^۱ بود که می‌گفت: «هر گاه کالاها نتوانند از مرزها عبور کنند، نظامیان از مرزها عبور خواهند کرد».





به سوی تجارت آزاد

پس از فجایع و ویرانی‌های رکود اقتصادی و جنگ جهانی دوم، ایالات متحده، بریتانیا و ۲۰ کشور دیگر «موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت» (گات) را امضا کردند. «بازار مشترک» نه تنها به اروپا کمک کرد تا به بازسازی

ویرانی‌های پس از جنگ بپردازد بلکه به حفظ صلح و تشویق همکاری اقتصادی نیز کمک کرد. در سال ۱۹۹۵ معاهده «گات» تبدیل به «سازمان تجارت جهانی» شد که هم اکنون بیش از ۱۵۰ عضو دارد.

در عرض ۵۰ سال گذشته، حرکت به سوی تجارت آزاد از کشورهای توسعه‌یافته اروپای غربی، آمریکای شمالی و ژاپن فراتر رفته است. «ببرهای شرق آسیا» (کره جنوبی،

WORLD TRADE ORGANIZATION



تایوان، سنگاپور و هنگ‌کنگ) به واسطه درگیر شدن در اقتصاد جهانی، خودشان را از سطح کشورهای فقیر به سطح کشورهای ثروتمند بالا کشیده و متحول کردند.

در اوایل دهه ۱۹۷۰، چین، شیلی، و تعداد اندکی از ملت‌های کمتر توسعه‌یافته شروع به کاستن از موانع تجاری خود کردند، پذیرای سرمایه‌گذاری خارجی شدند، و تجارت خود با دیگر کشورهای دنیا را به شکلی چشم‌گیر افزایش دادند.

سقوط کمونیسم جهانی همراه با فرو ریختن دیوار برلین در سال ۱۹۸۹ پندار واهی «حمایت‌گرایی دولتی» را (که پیشتر چونان ابزاری برای توسعه انگاشته می‌شد) در هم شکست. از آن زمان تا کنون، کشورهای بیشتری اقدام به رفع موانع تجاری و شرکت فعال در اقتصاد جهانی نموده‌اند.

بالا رفتن استاندارد زندگی

امروزه شواهد تأییدکننده تجارت جهانی رو به افزایش است. آن‌که‌های خود را به روی تجارت آزاد و سرمایه‌گذاری گشوده‌اند سریع‌تر رشد کرده و درآمد سرانه‌ای که کسب می‌کنند بالاتر از کشورهای است که هم‌چنان درها را به روی تجارت آزاد بسته‌اند.

به طور مثال، منطقه هنگ‌کنگ از دهه ۱۹۶۰ به تمرین تجارت آزاد پرداخت. این منطقه که زمانی در حد یک پایگاه مرزی فقیر و دورافتاده امپراتوری بریتانیا محسوب می‌شد، امروزه یکی از ثروتمندترین شهرهای روی زمین است، که این امر عمدتاً به دلیل آزادی مردم



هنگ‌کنگ در خرید و فروش و سرمایه‌گذاری آزادانه در بازارهای جهانی است. در مقابل، بسیاری از فقیرترین ملت‌های دنیا، نظیر کره شمالی، برمه، و تعداد زیادی از کشورهای آفریقایی به لحاظ تجاری بسته‌ترین کشورهای دنیا هستند.

گسترش تجارت و جهانی شدن در طی سه دهه اخیر یکی از عمده‌ترین دلایل کاهش فقر در سرتاسر جهان بوده است. بنا به گزارش «بانک جهانی»، از اوایل دهه ۱۹۸۰ تا کنون، سهم جمعیت جهانی که با درآمدی کمتر از معادل $\$1/5$ در روز زندگی می‌کنند کمی بیشتر از نصف کاهش یافته و از ۵۲٪ به ۲۵٪ رسیده است. آن دسته از کشورهایی که به جدی‌ترین وجه درهای اقتصاد خود را به روی جهان گشوده‌اند (نظیر چین، ویتنام، و شیلی) نسبت به دیگر مناطق چشم‌گیرترین پیشروی علیه فقر را داشته‌اند.

شرایط بهتر و همکاری بیشتر

منتقدین تجارت گاهی به وضعیت نامساعد کار در کشورهای کمتر توسعه‌یافته اشاره می‌کنند و آن را دلیلی می‌دانند که بر مبنای آن ما نباید محصولات تولید شده در این کشورها را بخریم. اما این منتقدین این نکته مهم را نادیده می‌گیرند که تجارت، خود یکی از موتورهای اصلی برای بهبود شرایط در همان کشورهای فقیر است.

امروزه دنیای گشوده‌تر شده ما (برخلاف آن چه منتقدین روند جهانی شدن ادعا می‌کنند) درگیر یک «مسابقه تا کف»^۱ نیست بلکه درگیر مسابقه‌ای برای رشد درآمدها و استانداردهای زندگی است. در طی دوران گسترش تجاری اخیر، دنیا هم‌چنین شاهد رشد نرخ امید به زندگی و نرخ سواد در کشورهای در حال توسعه و هم‌زمان کاهش نرخ مرگ و میر نوزادان، سوء تغذیه و بهره‌کشی از کودکان بوده است.

فن‌آوری‌های جدید ماهیت تجارت را تغییر داده‌اند؛ هر چند که تئوری‌های اقتصادی درباره ماهیت تجارت هم‌چنان بدون تغییر مانده و با زمانه پیش نرفته‌اند. امروزه تقریباً نیمی از

۱. *race to bottom*: اصطلاحی که ناظر بر مسابقه بین دولت‌ها است برای رفع همه موانع تجاری (یا کاستن از مالیات‌ها) تا جایی که به کف برسد و دیگر درآمدی برای کشور حاصل نشود. عموماً مخالفین تجارت آزاد و منتقدان روند جهانی شدن از این اصطلاح استفاده می‌کنند—مترجم



کالاها به جای حمل با کشتی یا حمل از طریق جاده و راه آهن از راه‌های هوایی بین‌ملتها جا به جا می‌شوند. بسیاری از کالاها منتقل شده با کشتی در دریاها اکنون در داخل کانتینرهای استاندارد حمل می‌شوند، که این امر امکان بارگیری و تخلیه آن‌ها در بنادر و انتقال آن‌ها به کامیون‌ها و خطوط راه آهن را ساده‌تر می‌کند. گسترش اینترنت و مخابرات ماهواره‌ای به رشد شرکت‌های چند ملیتی انجامیده است که فعالیت‌های طرف‌های معامله در کشورهای متعدد را هم‌زمان هماهنگ می‌کنند.

در نتیجه، بسیاری از کالاها اینک از طریق همکاری بین کارگران در بسیاری کشورهای مختلف ساخته می‌شوند. یک هواپیمای مسافربری یا اتومبیل ممکن است در یک کشور طراحی و در کشور دیگری مونتاژ گردد، و شامل قطعاتی باشد که کارگران در چندین کشور مختلف آن‌ها را می‌سازند. بر روی «آی‌پادی» که توسط نوجوانی در ایالات متحده یا اروپا خریداری می‌شود عبارت «مونتاژ در چین» حک شده، اما طراحی و مهندسی آن در کالیفرنیا صورت گرفته است. یک کمپانی آمریکایی تراشه‌های پردازنده آن را تهیه کرده، شرکت دیگری در کره جنوبی تراشه حافظه آن را ساخته و دیسک سخت و صفحه نمایش‌گر آن را کمپانی‌های ژاپنی ساخته‌اند.

تحمل و درک دیگران

تجارت علاوه بر مزایای اقتصادی موجب تشویق تحمل و درک دیگران در بین افراد می‌گردد. تجارت و جهانی شدن به ما می‌آموزند که به مردم دیگر کشورها به چشم افراد مرموز و تهدیدگر ننگریم، بلکه به آن‌ها به چشم مشتری و عرضه‌کننده و همکاران بالقوه نگاه کنیم. تجارت ارتباط بین آدم‌ها را تسهیل می‌کند. از طریق تجارت نه تنها کالاها و خدمات، بلکه مردم و اندیشه‌ها نیز از مرزها عبور می‌کنند؛ اندیشه‌ها و مردمی که در آن سوی مرزها دوستی‌ها و روابطی بنا می‌کنند که موجب فرو ریختن تعصبات کهنه و بیهوده می‌شود.

به لحاظ تاریخی، شهرها و کشورهایی که در خط مقدم تجارت بین‌المللی قرار داشتند در زمره بازرترین جوامع زمانه خود با بالاترین آستانه تحمل بوده‌اند. شهر «ونیز» در طی قرن پانزدهم و «جمهوری هلند» در قرن هفدهم مراکز پیشرو بازرگانی دوران خود بودند و به پناه‌جویان گریخته از ظلم و آوارگان یهودی آزادی و پناه و حمایت قانونی می‌دادند. شهروندان «ونیز» و «هلند» یاد گرفته بودند که با آغوش باز پذیرای مردمانی از مذاهب و نژادهای متفاوت از خود باشند زیرا ناپردباری و عدم تحمل به غیر از کاستی‌های دیگری که دارد برای کسب و کار هم مضر است. امروزه جوامعی که درهای اقتصاد خود را به روی تجارت گشوده‌اند احتمال آن که نسبت به آزادی مذهب و آزادی بیان دید بازتری داشته باشند بیشتر است.

تجارت و آزادی

در نهایت، بحث طرفداری از تجارت آزاد به بحث بنیادین «عدالت» ختم می‌شود. اگر فردی خواهان تجارت و مبادله چیزی باشد که خودش تولید کرده یا خواهان کالایی باشد که فرد یا افرادی در کشوری دیگر تولید کرده‌اند، دولت نباید در کار او دخالت کند. استفاده از قدرت دولتی برای منع معامله‌ای که به نفع طرفین معامله است در حکم نقض حق حاکمیت افراد آزاد است.

موانع تجاری ثمره بر حق نیروی کار افراد را از ایشان می‌زدند و این ثمره به تاراج رفته را بین افرادی تقسیم می‌کنند که جز با توسل به قدرت سیاسی اخلاقاً نمی‌توانند هیچ‌گونه ادعایی بر این ثروت غصب‌شده داشته باشند.

